

## نقد عکس از روزنامه شهر آرا



عکس "حمید سلطان آبادیان" قبل از هر چیز "بیان مستقیم دنیای امروز" است و به تعبیری دیگر، عکسی که سعی دارد تا واقع گرایی روانی در عکاسی را بیان کند. (واقع گرایی روانی در عکاسی یعنی آنکه اشیاء و اشخاص و هر آنچه که موضوع عکس قرار می گیرند، تنها برای بیان حقیقتی درونی اجازه حضور در کادر پیدا می کنند و هدف عکاس از آرایه آثار اینگونه به هیچ وجه پرداختن به صورت ظاهری موضوع نیست) این عکس همچنین ما را به یاد برخی از آثار "پل استراند"، عکاس آمریکایی می اندازد. استراند در عکسهایش رازهای درونی را نمایان میساخت و به این خاطر عکس روبرو به لحاظ بار معنایی مشابهت به آثار استراند دارد، چرا که نخستین مفهوم این عکس، آشکار کردن رازهای درونی و پرداختن به دغدغه های انسانی در عصر معاصر و بی تفاوتی که بر انسان ها حاکم است.

عکس "حمید سلطان آبادیان" به لحاظ نوع بیان، ما را همزمان با دو وجه از عکاسی روبرو می کند، فرم در عکاسی و مستند نگاری در عکاسی. بیان این دو صورت در کنار یکدیگر به ارزشمندی عکس می افزاید و البته بار محتوایی و مفهومی آن را نیز فزونی می بخشد، اما باید اشاره شود که در این عکس، مستند گرایی در خدمت بیان فرم در عکاسی است و حضور دو انسان از عرض تصویر و اتفاق افتادن صحنه به طور ناگهانی و بدون دخل و تصرف اگر چه ممکن است این احساس را به وجود آورد که با عکسی مستند روبرو هستیم، اما باید این عکس را گرایش به فرم گرایی تلقی کنیم.

عکس گویی زاویه ای غیر عادی را دنبال می کند که در کنار آن سایه های زمخت و عجیبی که مثل یک قاب دور تا دور عکس را گرفته است، به ابهام آن می افزاید. استفاده از قاب به صورت سایه در اطراف عکس، گویی بازلی را می سازد که تکه های آن کنار هم نشسته است. انگار گوشه هایی از زندگی در این عکس کنار هم چسبانده شده اند و گویی عکس کولاژی است از جنسیت های مختلف در پهلوی هم. هم چنین حضور قاب در اطراف، به عکس فضایی سه بعدی می بخشد که هم به ایجاد جذابیت در عکس و هم به لحاظ وسعت بخشیدن به مرزهای ابهام می افزاید.

حال باید پرسید عکاس به درستی توانسته از حضور قاب برای بیان مفهوم خود استفاده کند یا اینکه صرفاً بازی ای به لحاظ بصری برای عکس ایجاد شده است.

در پاسخ باید گفت اهمیت این عکس قبل از هر چیز به دلیل داشتن بار معنایی است. حال باید در نظر داشته باشیم که این بار معنایی یعنی نشان دادن تجرید سازی از واقعیت، پهلوی زدن به جوانب زندگی، نشان دادن روابط حاکم بر انسان ها، بیان فردیت و تنهایی در افراد و ... عکس با استفاده از قاب و قرار دادن دو انسان در آن، به مقصود مورد نظر خویش دست پیدا می کند و بنابراین قاب در اینجا حضوری موفق دارد. در این عکس انسان حضوری قوی دارد و اصلاً تمام عناصر در قاب برای معرفی انسان و دنیای آن ساخته شده اند و عواملی که باعث می شود این حضور موفق تر جلوه کند انتخاب لحظه شاتر زدن است. در این لحظه که عکاس آن را به درستی تشخیص داده است از گذر دو انسان از دو جنس

متفاوت و از دو سمت مخالف از کنار همدیگر بخش بزرگ معنای عکس را کامل می سازد و در نهایت حالتی که انسان ها در آن قرار دارند و با نگاهی رو به پایین ، محتوای عکس را اتمام می بخشد .

قرار گرفتن بناهای معماری ، معرف فضای جغرافیایی است که عکس در آنجا به ثبت رسیده است و در تقابل با انسان ها و عبور آنها از مقابل آن ، قابل بررسی مفهومی است . ساختمان ها با رنگ های خود ، می توانند نمادی از زندگی و رنگ ها و جریان های آن باشند و انسان های ضد نور نمادی از انسان های گم گشته در مسیر زندگی ، علاوه بر این تیزی زوایای قاب با نرمی فرم های معماری اسلامی ، نوعی تضاد را نیز در عکس ایجاد می کند .

سکوت عکس و خلوتی که در آن موج می زند ، بیش از همه به احساس ابهام عکس می افزاید و همین باعث میشود با دیدن این عکس احساس غربت در میان دل رخنه کند . همچنین حضور ساختمان ها در عکس در مقابل با شکل ساده شده ی انسان ها باعث جذابیت بصری می شود .

در نهایت آنکه عکس " حمید سلطان آبادیان " ، به واقع همان واقع گرایی است که حال به ساده گویی و تجرید روی آورده و در پشت این سادگی بیانگر مفاهیمی بزرگ از زندگی می باشد که بخش هایی از آن در میان قاب سیاه و سایه ماندنی جمع شده است .